احادیث تاریخ گزینده حمدالله مستوفی و مناسبت بیان آن ها

نگارش دکتر علی ذاکری[1]

مدیر گروه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد واحد تاکستان.

چکیده

استناد مورخان و نویسندگان به آیات قرآنی و احادیث نبوی یا علوی سبک ادبی و شیوه ی رایج و اجتناب ناپذیر برای شرح و توضیح بسیاری از حوادث تاریخی درباره ی اقوام و امم پیشین، یا عرب جاهلی و صدر اسلام بوده است حمداله مستوفی نیز در تاریخ گزیده همین شیوه را پیش گرفته و آن را به زیور آیات قرآن و احادیث آراسته و استحکام بخشیده و مطالبش را مستند ساخته است. در این مقاله روایات مورد اشاره و استناد حمداله در تاریخ گزیده استخراج شده و مآخذ یا مأخذ هر یک از این احادیث با مراجعه به مهمترین تفاسیر و مجامع حدیثی ذکر شده است.

کلید واژه ها: حدیث، پیامبر اسلام (ص)، تاریخ گزیده، سبک، تاریخ نگاری.

---

۱ – نشانی کامل نویسنده: تهران، مینی سیتی، شهرک محلاتی، خیابان ایثار، ایثار ۹، پلاک ۱۷
تلفن: ۲۲۴۴۱۶۶۷ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۸۰۴۵۲۷۳
پست الکترونیک: dr. zavarian@gmail. com
محل کار: بزرگراه خلیج فارس، نرسیده به پل حرم امام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، مجتمع یادگار امام
سمت: مربی

مقدمه (طرح مسأله):

یکی از خصائص سبکی و ادبی بارز آثار مشتمل به تاریخ عمومی اسلام یا تواریخ محلی سرزمین های اسلامی، استناد نویسندگان این آثار به آیات قرانی و احادیث و روایات نبوی یا امامان (ع) شیعه است. در تواریخ عمومی اسلام، ذکر حیات سیاسی و دینی پیامبر (ص) و تبیین بسیاری از اقدامات و شیوه های اداره ی جامعه ی نوبنیاد اسلامی و تحولاتی که در جریان دعوت و استقرار دین نو پدید می آمد، بی گفتگو مستلزم اشاره و استناد به آیات قرآن و اقوال و افعال نبی اکرم (ص) است که در سنت اسلامی از آن به «حدیث» تعبیر می شود. در حقیقت، قرآن و حدیث و تفاسیر آن ها از مهمترین منابع، برای اطلاع از سرنوشت اقوام و امم سالفه، درک افکار و عادات و آداب عرب جاهلی، اسباب و علل دشمنی با پیامبر (ص)، انگیزه های هجرت، ابلاغ یا وضع قوانین و احکام و بسیاری از دیگر تحولات مادی و معنوی، حتماً پس از رحلت نبی اکرم (ص)، به روزگار فتوحات اسلامی و جنگ های داخلی و بنیاد نظام خلافت به شمار می رود. از سوی دیگر اقوال و افعال پیامبر (ص) در سیاست و اداره ی جامعه، برای مورخانی که فایده تاریخ را در عبرت آموزی و اتخاذ روش های منطبق با سنت پیامبر در امور ملکداری و سیاست می دانستند، از اهمیت خاص برخوردار بود و به همین سبب به ندرت کتابی در تاریخ اسلام – اعم از عمومی و دودمانی، محلی و غیره – وجود دارد که تهی از این روایات باشد. بخصوص برحسب سنتی که تاریخ پیدایی ان را به درستی نمی دانیم، نویسندگان تواریخ محلی نیز می کوشیدند روایاتی درباره فضایل و مناقب شهر یا ولایت موضوع کتاب خود بیابند و درج کنند. بسیاری از اینگونه آثار مشحون است از روایاتی از پیامبر اکرم درباره فضایل آن شهر و ولایت. رواج این شیوه از آنجا پیداست که حتماً حمداله مستوفی در تاریخ گزیده که از تواریخ عمومی به شمار می رود، به سائقه علاقه به مسقط الراس خود – قزوین– روایاتی در

فضایل این ولایت در همین کتاب اورده است. امروز هم اگر مورخی به تاریخ اسلام، خاصه قرون اولیه آن، بپردازد. روایات و احادیث و ایات تفاسیر آن ها را از منابع مهم چنین نگارشی تلقی خواهد کرد.

شرح حال حمدالله مستوفی و آثار وی

حمدالله مستوفی از یک خاندان کهن مستوفیان قزوین است که نسبت او به ۱۴ پشت به حربن یزید ریاحی می رسد. جد چهاردهم او فخرالدوله ابومنصور کوفی در سال ۲۳۳ هجری با سپاهیان به حکومت قزوین منصوب و مأمور شد، از آن پس خاندانش در همان شهر باقی ماندند و همگی شغل دیوانی داشتند (نوایی، مقدمه تاریخ گزیده ص ه، فروزانفر، تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام، ص ۴۲۵). پدر حمدالله و خود او نیز با عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می کرده اند. (صفا، تاریخ ادبیات، جلد سوم، بخش دوم ۱۲۷۷/۵).

حمدالله در سال ۶۸۰ در قزوین متولد شد و از آغاز جوانی بنا بر سیرت اباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت. وی سفرهایی به تبریز، بغداد، شیراز و اصفهان برای ادای وظایف دیوانی و شغل استیفای خود کرد و از خواص خواجه رشیدالدین فضل الله گشت و پس از او همچنان سمت خود را در کارهای دیوانی حفظ نمود (نوایی، مقدمه تاریخ گزیده ص ط)

در سال ۷۱۱ از جانب رشیدالدین به حکومت و استیفای قزوین، ابهر، زنجان و طارمین گماشته شد (مستوفی، نزهه القلوب ص ۲۰)، همان طوری که در آغاز تاریخ گزیده بیان می کند از ابتدای جوانی همراه و همدم دانشمندان بوده و مخصوصاً به درک مجلس رشیدالدین نائل می آمد و اغلب در مباحث علمی تاریخ شرکت می‌جست (مستوفی، تاریخ گزیده، ص۲) و شیوه ی نگارش خواجه را برگزید.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

فصل و خاتمه مرتب شده است. (مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۹) همانطور که ذکر شد فصل چهار ان برگزیده و خلاصه ای است از جامع التواریخ رشیدی به همراه اطلاعاتی که حمدالله از کتاب های مورخین نقل نموده است و دو فصل آخر ان مهمترین قسمت های کتاب است. یک فصل در تاریخ ائمه علما، فضلا و سخنوران ایران و عرب و دیگری مربوط به تاریخ، جغرافیا و بزرگان شهر قزوین موطن این مولف نامی است که با کوشش و تلاش بی نظیری به کتاب افزوده شده است.

تاریخ گزیده ۱۷۰ هزار کلمه و نسخه ای بی نهایت مفید است و برای قسمت تاریخ عصر خود در بالاترین درجه ی اهمیت می باشد (براون، از سعدی تا جامی، ص ۱۲۷).

نثر کتاب بسیار ساده، شیوا، موجز در کلام و زبان می باشد (صفا، تاریخ ادبیات، ص ۲۷). دومین اثر منثور حمدالله مستوفی نزهۀ القلوب است در جغرافیا، هیأت و عجائب عالم که مشتمل است بر یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه که پس از تاریخ گزیده و ظفرنامه به سن شصت سالگی تألیف شده و در شمار چند گتاب نادر گران بهایی است که درباره ی جغرافیا به زبان شیرین فارسی نوشته شده است و در میان ان چند کتاب انگشت شمار، نیز مزیت جامعیت و تفصیل و بسط و شرح دارد. (براون، از سعدی تا جامی، ص ۱۲۸).

حمدالله مستوفی در نزهۀ القلوب می نویسد: بعضی از یارانش درخواست کرده اند که چون در زبان فارسی کتابی در علم به احوال بقاع و اماکن تالیف نشده است و غالباً این گونه کتب به زبان عربی است او کتابی به زبان فارسی تالیف کند. (مستوفی، نزهه القلوب، ص ۳۰).

نزهه القلوب علاوه بر اطلاعات دقیق جغرافیایی حاوی نکات تاریخی و دقایق ادبی و ضوابط دیوانی و عواید مالیاتی ایران زمان مولف و پیش از آن نیز هست. (دبیر سیاقی، مقدمه، ص ۲۳).

نزهه القلوب مشتمل بر یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه می باشد و مستوفی در بخشی از این کتاب بیشتر تحت تأثیر روش زکریای قزوینی در عجایب المخلوقات قرار گرفته است. نثر حمدالله در این کتاب هم، ساده و بی پیرایه است (صفا، تاریخ ادبیات، ج ۳، بخش اول، ص ۲۸۱).

نزهۀ القلوب حاوی سه فصل است: اول در باب کانی ها، نباتات و قلمرو جانوران. دوم به انسال پرداخته است و بخش هایی در خور ان، به لحاظ شناخت اقلیم تاریخی. سوم با شیوه معمول و متعارف، اثار جغرافیایی پدید آورده است و در آغاز، شهرهای مقدس همچون مکه، مدینه، حرمین شریفین و بیت المقدس را وصف کرده است. و سپس به ایران و ممالک بیگانه پرداخته است. (صفا تاریخ، ادبیات جلد ۳ بخش ۲، ص ۱۲۷۸).

سومین اثر حمدالله مستوفی منظومه ظفرنامه است که به لحاظ آغاز تألیف (در حدود ۷۲۰) نخستین اثر و پایان گرفتن آن (۷۳۵) دومین کتاب به شمار می رود. کتاب در ۴۰ سالگی آغاز گردیده و ۱۵ سال به طول انجامیده است. (مدائنی، مقدمه ظفرنامه، ص ۱۶). ظفرنامه در ۷۵۰۰۰ بیت به بحر متقارب و نخستین بیت آن چنین است:

به نام خدایی که هست و یکی است- جز او در دو گیتی خداوند نیست (صفا، حماسه سرایی در ایران، ص ۳۵۵).

این کتاب که از زندگانی پیغمبر اسلام شروع و تا سال ۷۳۶ ختم می شود به سه قسمت تقسیم شده است؛ نخست در تاریخ عرب، شامل ۲۵ هزار بیت به نام قسم اسلامی و دیگر تاریخ عجم در ۲۰ هزار بیت موسوم به قسم احکام و سومین در تاریخ مغول ۳۰ هزار بیت به نام قسم سلطانی می باشد. (مستوفی، نزهه القلوب، ص ۲۱).

حمدالله مستوفی در مقدمه منظومه ظفرنامه انگیزه خود را از سرودن این اشعار، علاقه و پیروی از شاهنامه ذکر کرده است و از آنجایی که بیش از ۶ سال از عمر

خود را صرف تصحیح انتقادی شاهنامه کرده است، طبیعی است که بیشترین تأثیر را از افکار و اندیشه ها و سبک فردوسی داشته است؛ به همین سبب حامل بیشترین تعداد واژگان فردوسی از ترکیب و تعبیر و کاربردهای کنایی و استعاری است و این نشانه ی استغراق و تأثیرپذیری بسیار ژرف صاحب ظفرنامه در شعر فردوسی است. و همچنین فردوسی و مستوفی در آثار خود هر دو به یکسان در رعایت جانب عفت کلام به سختی پایبندی دارند. (مدائنی، مقدمه ظفرنامه، ص ۸۵)

حمدالله مستوفی گرچه شافعی مذهب است به اهل بیت و پیغمبر به ویژه امام علی و امام حسین علاقه ی خاصی دارد و بارها تکریم آنان را بیان می دارد.

از دولـــت محبـت اولاد مـصطـــفی شک نیستم که اسعد ابنـــای آدمـم

گر دوستدار حیدر کرار را فضی است من رافضی ترین همه ی اهل عالمم

(مستوفی، ظفرنامه، ص ۱۲).

و نیز در تاریخ گزیده فصل سوم از باب سوم را به شرح حال ائمه تا وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اختصاص داده و حضرت حسین را امام شیعه نامیده است (ص ۲۰۱).

"احادیث"

۱- ۷- حب الوطن من الایمان (ابن رجب حنبلی ۳۸۰/۱)

مولف در چگونگی خلقت بشر می گوید: «چنان اقتضا کرد (خداوند) که نور معنوی و روح انسانی بر صورت عالم جسمانی تابان گردد و این سر بر جمیع کائنات به پرتو وجود چون خورشید خود روشن گرداند ان را از دوره انسیت در عرصه بشریت به ظهور رسانیده، و قوه آفرینش به فعل اتصال روح و جسم و... تمام گردانید. مفارقت مرغ روح از آشیانه انسیت موافق طبیعت او نبود، حب وطن مالوفه بر او غالب

گشت و آن را به جان و دل طالب شد و لفظ درربار نبوی بر این معنی فرمود «حب الوطن من الایمان».

۲-ص۱۷- الدنیا سجن المومن (صحیح مسلم، ۲۲۷۲/۴، مجمع الزاید ۲۸۸/۱۰؛ سنن ابن ماجه ۱۳۷۸/۲).

درباره عدم دلبستگی مومن به دنیا است زیرا «کسی که توفیق خدای او را راهنمایی کند، جهانی بدین خوشی پیش او چون زندان نماید و به لذات آن سرخوش فرو نیاید.»

۳- ص۱۸- قال (ابوذر غفاری) سالت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

کم عدد الانبیا؟ قال مأة الف و اربعة و عشرون الفا. قال فقلت من کان اولهم؟ قال آدم. قلت انبی مرسل؟ قال نعم. ثم قال یا اباذر اربعه سریانیون: آدم و شیث و اخنوع هو ادریس و هو اول من خاط و خط، و نوح و اربعه من العرب هود و صالح و شعیب و نبیک یا اباذر. و انبیاء بنی اسرائیل موسی و آخر هم عیسی. قلت کم انزل الله من الکتاب؟ قال ماه صحیفه و اربعه کتب، علی شیث خمسین صحیفه و علی اخنوخ ثلاثین و علی ابراهیم عشر صحایف و علی موسی التوریة عشر صحایف و انزل التوریة و الزبور و الانجیل و الفرقان و فی روایه ستة اولوالعزم: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین. صدق الله و صدق رسوله (ابن حبان ۷۷/۳، هیثمی ۵۳/۱، قرطبی ۱۵/۱۳).

روایت از ابوذر غفاری است که اکثر مورخان آورده اند و درباره پیغمبران و تعداد آنها و پیامبران الوالعزم است به گفته حمدالله: «ابوذر گوید از رسول خدا پرسیدم انبیائ چند تن بودند؟ فرمود: سیصد و سیزده تن. گفتم: نخستین آن ها که بود؟ فرمود حضرت آدم. گفتم: آیا او نبی مرسل بود؟ فرمود آری. سپس فرمود: ای ابوذر چهار تن

از آنان سریانی بودند: آدم و شیث و شعیب و پیامبر تو. موسی اولین و عیسی آخرین پیامبر بنی اسرائیل است. گفتم پروردگار چند کتاب نازل فرمود؟ گفت: صد صحیفه و چهار کتاب. بر شیث و پنجاه صحیفه و بر اخنوخ سی صحیفه و ابراهیم ده صحیفه و بر موسی تورات در ده صحیفه پروردگار همچنین تورات و زبور و انجیل و قران را نازل کرد. و در روایتی آمده شش پیامبر الوالعزم مبعوث شدند: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص).»

۴-ص۱۸- علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل (مجلسی باب صفه العلما)

مولف معتقد است که پیغمبران مرسل ۷۳ نفرند که مناسبت دارد با حدیث مذکور

۵- ص ۱۸- ستفرق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة الناجیه منهم واحد و ما انا علیه و اصحابی (المنذری ۴۴/۱۰)

ملت محمدی به حکم حدیث بالا هفتاد و سه فرقه اند که فرموده یکی از ایشان رستگارتر است که مناسب و مرتبط با حدیث شماره چهار می باشد.

۶- خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحاً (مناوی/۲۹۷)

راجع به آفرینش انسان از خاک و پیوستن روح به آن بعد از چهل روز می باشد، مولف می گوید:

دوست چهل بامداد در گـــل ما داشـــت دست

ما چو گل از دست دوست دست بدست آمدیم

۷- ص۱۲۳- مزق الله ملکه کما مزق کتابی (مجلسی ۳۸۱/۲۰؛ ابن شهر آشوب ۷۹/۱)

هنگامی که خسرو پرویز نامه پیغمبر (ص) را پاره کرد و خبر به رسول رسید این سخن بر زبان مبارکش جاری شد

۸- ص ۱۲۸- کنت کنزا مخفیا فا حببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف (مجلسی ۱۹۸/۸۴)

حدیث قدسی است در مورد تقدم حضرت احدیت بر افرینش انسان. مولانا جلال الدین می فرماید:

گنج مخفی بدز پرّی چاک کرد خاک را تا بان تراز افلاک کرد

(احادیث مثنوی، ص ۲۸)

۹-ص ۱۲۸- اول ما خلق الله نوری (مجلسی ۷۹/۱؛ عوالی الآلی ۹۹/۴)

حدیث نبوی است است که فرمود: خداوند بهترین مخلوقات و خلاصه کاینات و زبده موجودات یعنی نور خاتم الانبیاء محمدمصطفی صلی الله علیه بیافرید. این حدیث درربار نبوی حاکی از آن است.

۱۰- ص ۱۲۸- لولاک لمّا خلقت الافلاک (ابن شیرویه دیلمی ۲۲۷/۵؛ خلال ۲۳۷)

ای رسول اکرم آفرینش جهان به مناسبت وجود گرامی تو است، اگر به خاطر تو نبود جهان به حیطه وجود نمی آمد به قول مولف.

۷۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

(۱۲۰۰۰) مباهات می کرد، حضرت این حدیث را فرمودند.

۲۱- ص ۱۵۳- انا النبی لاکذب- انا ابن عبدالمطلب (قرطبی ۱۰۱/۸؛ بخاری ۱۰۵۱/۳)

هم در جنگ حنین پس از مردانگی عده ای از جنگجویان حضرت به آواز بلند حدیث بالا را بیان فرمودند.

۲۲- ص ۱۵۵- القلب یحترق و العین یدمع و لااقول الا ما یرضی الرب و انا علی فراقک یا ابراهیم لمحزونون (هیثمی ۱۷/۳)

حضرت در سوگ فرزند خردسال خود ابراهیم که در شوال دهم هجرت درگذشت فرمودند.

۲۳- ص ۱۶۷- الخلافه بعدی ثلاثون سنته ثم یکون ملکا عضوضاً (قرطبی ۲۹۸/۱۲؛ ابن حبان ۳۹۲/۱۵)

حضرت فرمودند مدت خلافت خلفای بعد از من سی سال است و بعد از آن عالم پر آشوب شود.

۲۴- ص ۲۱۷- فصوت ابی طلحه فی الجیش خیر من الف رجل (حاکم نیشابوری ۳۵۲/۳؛ ابن سعد ۵۰۵/۳)

پیغمبر درباره ابوطلحه زیدین سهل الانصاری بدری نجاری صحابی که آوازی بلند داشت فرموده است.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۸۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

و سخن شیخ موثر شد.»

حمدالله مستوفی ۴۲ حدیث هم فقط به مناسبت شأن و منزلت قزوین که مولد و منشاء او بوده است عیناً از رافعی قزوینی صاحب التدوین فی اخبار قزوین به جهت مستند بودن آن از نسخه ای که به خط مصنف بوده نقل کرده است و همه آن ها در وصف و مقام شهر قزوین می باشد. برای آگاهی بیشتر می توان به فصل اول از باب ششم تاریخ گزیده مراجعه کرد.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

همو، سنن کبری، دارالفکر، بیروت، (بی تا).

بیهقی، ابوبکر احمدبن حسین، شعب الایمان، به کوشش محمدالسعید بسیون، بیروت، ۱۴۱۰ق.

جزایری، نعمت الله نورالبراهین، قم ۱۴۱۷ ق.

حاکم نیشابوری، محمدن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطزا، بیروت، ۱۴۱۱ق.

حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، قم، ۱۴۱۲ق.

خلّال، احمدبن محمد، السنه الخلال، به کوشش عطیه الزهرانی، ریاض، ۱۴۱۰ق.

دشتی، حسن، مصارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، موسسه فرهنگی ارایه، چاپ سوم، ج ۴ ذیل حرف ح، تهران، ۱۳۷۹.

رافعی قزوینی، عبدالکریم، التدوین فی اخبار قزوین، به کوشش عطاری، تهران، ۱۴۱۸ ق.

زرعی، محمدبن ابی بکر، حاشیه ابن القیم، بیروت، ۱۴۱۵ق.

زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

زرقالی، محمدبن عبدالباقی، شرح الزرقالی، بیروت ۱۴۱۱ق.

سیوطی، عبدالرحمن، الجامع الصغیر، به کوشش محمد عبدالرووف، جده، دار طائر العلم، (بی تا).

شیبانی، احمدبن عمرو، الاحاد و المثانی، به کوشش باسم فیصل احمد الجواهره، ریاض ۱۴۱۱ق.

صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، دانشگاه تهران، ج سوم، بخش دوم، چاپ دوم، ۱۳۵۵.

صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، امیرکبیر چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۸۹ ◇◇◇